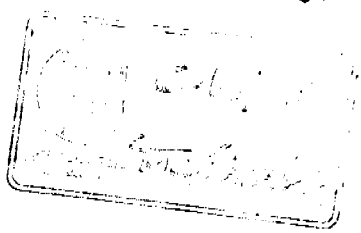


کھپے کھپے کھکھاپا کھپے کھپے کھکھاپا



ابوالحسن دیانت

(تبریز)

اشرفی

مردم ایران و ممالک همجوار از دیرباز با کلمه «اشرفی» به عنوان مسکوک طلا آشنا هستند، ولی در مورد تاریخچه پیدایش این مسکوک و علت اطلاق این کلمه به انواع مسکوک طلا و وجه تسمیه آن نظر روشنی اظهار نشده است. آنچه مسلم است اشرفی مسکوکی بوده از زر که تا همین اواخر به همان نام رایج و شناخته می‌شد، حال باید دید وجه تسمیه آن چه بوده، در چه دوره‌ای پیدا شده، آیا مسکوکی وجود دارد که در روی آن کلمه «اشرفی» قید شده یا خیر.

الف - مرحوم علامه دهخدا در لغت‌نامه می‌نویسد: «وجه تسمیه آن معلوم نیست شاید اشرف نام شاهی بوده در قدیم و به اسم او این سکه مسمی شد، مثل اینکه عباسی سکه‌ای بوده به نام شاه‌عباس صفوی (قرن دهم هجری)... یا اینکه اشرف افغان فاتح اصفهان در اوائل قرن دوازدهم هجری آنرا اختراع کرده و به نام او اشرفی خوانده شد و یا اینکه ابتدا در شهر اشرف آن‌طور سکه زده شد.»

آقای عبدالوهاب قائم‌مقامی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تاریخ پیدایش پول در ایران» ضرب سکه اشرفی را با قاطعیت به اشرف افغان نسبت داده می‌نویسد: «... بعد از آمدن افغانه به ایران اشرف افغان پول طلائی سکه کرده که هنوز هم در ایران به پول طلا اشرفی می‌گویند و تغییر در آن نکرده است.»^۱

استاد مسکوک اشرفی به اشرف افغان نظر به دلائل زیر نمی‌تواند درست باشد: اشرف افغان در سال ۱۱۳۹ هجری قمری در اصفهان به تخت نشست و در سال ۱۱۴۲ یعنی بعد از سه سال به قتل رسیده است در صورتیکه.

۱- شاردن که بین سالهای ۱۶۶۴-۱۶۷۷ یعنی ۱۰۷۴-۱۰۸۸ ه. ق. به ایران سفر کرده، در سیاحتنامه خود از اشرفی به عنوان مسکوک طلائی ایران نام می‌برد و

می‌نویسد: «ایرانیان هیچگونه مسکوک زرین ندارند، زیرا قطعات طلائی که به نشان شاهنشاه زده می‌شود، معمولاً هنگام جلوس به تخت سلطنت، و در جشن نوروز مسکوک می‌گردد، به وزن دو کات آلمانی است و پمانند مهره‌های فلزی (ژتون) فرانسه است، و در میان مردم به هیچ‌وجه رواجی ندارد بعلاوه این سکه‌ها را نام ویژه‌ای نیست. ایرانیان معمولاً آنها را طلا گویند که به معنی مسکوک زرین می‌باشد و شرافی (اشرافی) نیز گویند که به معنی نجیبان، و به علت بهای آنهاست.»^۲

۲- زین‌الدین محمود واصفی صاحب کتاب بدایع‌الوقایع که در حوالی نیمه قرن دهم آنرا به رشته تحریر درآورده از اشرفی نام می‌برد و ضمن توصیف از خصوصیات الغ‌بیگ می‌نویسد شخصی پیش الغ‌بیگ می‌رود و می‌گوید: «من مبلغ هزار اشرفی را در همیانی کرده، سر آنرا به موم و مهر مستحکم ساخته به شخصی سپرده بودم. بعد از مدتی که آنرا طلب نمودم و سر آنرا گشودم، صد اشرفی کم برآمد...»^۳ و در داستانی دیگر آورده: «روزی شخصی پیش الغ‌بیگ میرزا آمده گفت که: شاه! مرا داعیه سفر روم شد مبلغ پنجهزار اشرفی داشتم که از مایحتاج من زیاده بود...»^۴

۳- اسکندر بیگ منشی که بین سالهای ۹۶۴-۱۰۳۸ هجری قمری می‌زیسته و تألیف گرانبهای خود یعنی تاریخ عالم‌آرای عباسی را در سال ۱۰۲۵ آغاز و در سال ۱۰۳۸ به پایان رسانیده از اشرفی ذکری به میان آورده و آنجا که:

«... و از جمله هدایا چهل رأس اسب شامی و عربی بدو بود که هر یک براسه در خوبی و سبک‌پائی دم از یکتائی می‌زدند با زینهای مرصع و طلا و جلهای زربفت رومی و موازی پانصد هزار عدد اشرفی و فلوری که به رائج حال پنجاه هزار تومان شاهی عراقی است...»^۵ و یا در جای دیگر می‌نویسد:

«شرح این حال و تفصیل این اجمال آنکه بعد از وقوع این حال آن حرام نمک بد نهاد که قدر تربیت‌های آن حضرت را ندانسته به این امر شنیع اقدام نمود به منزل خود رفته يك کيسه زر اشرفی که تخمیناً پنجاه شصت تومان باشد، ببهانه آنکه نواب میرزا زر می‌طلبید که به شادی دهد برداشته...»^۶

۴- معقول به نظر نمی‌رسد که نادرشاه که افغانه را دشمن می‌داشته بلافاصله بعد از شکست دادن آنان سکه‌ای بزند و نام آنرا «اشرفی نادری» بگذارد مگر اینکه قبول کنیم که این نام بعد از نادر توسط مردم به مسکوک طلائی نادری اطلاق شده باشد و این نیز با توجه به اینکه در دوره ناصرال‌الدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه نیز بطور رسمی مسکوکی با همین نام بوده است چندان قابل اعتناء به نظر نمی‌رسد.

۵- یکی از سجمهای پنجگانه سکه‌های مربوط به اشرف افغان بیت زیر است:
به اشرفی اثر نام آن جناب رسید شرف ز سکه اشرف بر آفتاب رسید
و این بیت گویای آنست که اشرفی قبل از اشرف افغان وجود داشته منتهی بر اثر نام اشرف افغان شرفش اوج گرفته است.

با توجه به زمان حیات شاردن، واصفی، اسکندربیگ که هر سه قبل از اشرف افغان می‌زیسته و در آثار خود از مسکوک اشرفی نام برده‌اند و نیز سایر دلائل مذکوره معلوم می‌شود مسکوکی به نام اشرفی قبل از زمان اشرف افغان وجود داشته و بنا به

نوشته دکتر باستانی پاریزی وزن اشرفی قدیم در دوره صفوی $\frac{3}{4}$ مثقال بوده است. در اینجا لازم به تذکر میدانیم که به عقیده بعضی وزن مسکوک اشرفی يك مثقال تمام بوده و حتی بنا به نظر برخی علت اطلاق کلمه «درست» به اشرفی به مناسبت وزن آن بوده که درست يك مثقال بوده است و این با نظر دکتر باستانی پاریزی وقتی می‌تواند تطبیق کند که یکی را برحسب مثقال شرعی و دیگری را بر حسب مثقال صیرفی ذکر کرده باشند زیرا مثقال شرعی $\frac{3}{4}$ مثقال صیرفی است.

ضمناً انتساب آن به شهر اشرف که مرحوم دهخدا با شك و تردید بدان اشاره می‌کند با توجه به اینکه طبق نظر مورخین و محققین اشرف از بناهای دوره صفویه است که در آن زمان «اشرف‌البلاد» نامیده می‌شد و مسکوک اشرفی تاریخی قبل از صفویه دارد قابل قبول نمی‌تواند باشد.

ب - مرحوم سعید نفیسی معتقد است و شاید برخی دیگر نیز احتمال می‌دهند، که این سکه به امر یکی از امرای چوپانیان به نام ملک اشرف پسر امیر تیمورتاش و نواده امیر چوپان که بین سالهای ۷۴۴ الی ۷۵۹ هجری قمری فرمانروائی داشته ضرب گردیده است و اضافه می‌کند که چون عیار آن بسیار بود در آغاز مردم آن را برنمی‌داشتند و به همین جهت در آن زمان شاعری سروده:

دیدي که چه کرد اشرف خر
او مظلّمه برد و دیگری زد.

بطوریکه از نوشته میرخواند که سعی کرده جزئیات حوادث و وقایع زمان را به‌طور مبسوط شرح دهد برمی‌آید ملک اشرف چوپان در سال ۷۵۰ به اصفهان لشکر کشیده و مدت پنجاه روز آن شهر را تقریباً در محاصره لشکریان خود داشته و هر روز به جنگ می‌پرداخته تا بالاخره به پیشنهاد مردم اصفهان مولانا شرف‌الدین نخجوانی را فرستاد تا روز جمعه خطبه به نام نوشیروان عادل خواندند و دو هزار دینار سرخ سکه کردند و بدین ترتیب جنگ و نیز اصفهان را ترک گفتند. ذکر این وقایع با اینکه میرخواند در روضة‌الصفاء و نیز خواندمیر در حبیب‌السير جملات و ترکیباتی از قبیل (امراء اشرفی)، (لشکریان اشرفی) و (غلامان اشرفی) که منظورشان امراء، لشکریان و غلامان ملک اشرف بوده به کار برده‌اند ولی از سکه اشرفی نامی به میان نیامده است و اگر نیز با احتمال ملک اشرف بعدها اشرفی نام گرفته قدر مسلم آنست که سکه‌ای که ملک اشرف به نام خود زده اشرفی نبوده است. پس باید دید منشأ اشرفی از کجا بوده؟ ضمناً شعر در مورد اشاره مرحوم سعید نفیسی درباره مسکوک طلا نبوده بلکه اشاره به اخاذی و حرص و ولع ملک اشرف در ثروت‌اندوزی از راه ظلم و ستم به مردم بوده که بالاخره در اواخر دوره حکومتش به توزیع و تقسیم آن طلا و جواهرات و ثروت بین فرماندهان و سرداران و سران قبائل شده تا از او حمایت کنند و در این کار نیز موفق نشده است.

ج - فرهنگ آندراج به نقل از شرح دیوان حافظ، اشرفی را همان «درست‌زر» دانسته و آنرا به پادشاهی به نام اشرف نسبت می‌دهد که سکه زر به وزن دو ماشه

در زمان او رواج یافته. صرفنظر از اینکه معلوم نمی‌کند این پادشاه، پادشاه کدام کشور بوده یا در چه زمانی می‌زیسته و سکه در کجا ضرب شده. ایرادی دیگر نیز بر این نوشته وارد است و آن اینکه درست‌زر اصولاً به هر سکهٔ پساک و نساپ و صد در صد طلا گفته می‌شد و از شعراء و نویسندگان قرنهای چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم هجری قمری در لغت‌نامهٔ دهخدا شاهد فراوانست.

د - در دایرةالمعارف اسلامی (به زبان ترکی) (اسلام انسیکلوپدیسی) بدون اینکه از منشأ و مبدأ و وجه تسمیة آن ذکر می‌کند می‌نویسد: اشرفی و شریفی در هندوستان به سکه‌های کوچک و بزرگ طلا گفته می‌شود.

ه - الشیخ ابراهیم سلیمان مؤلف کتاب «الاوزان و المقادیر» می‌نویسد: دینار در بلاد عجم و مجاور آن به اشرفی موسوم است. ۹.

و - در برهان قاطع ذیل کلمة «درست» می‌نویسد: «درست به معنی درم و دینار و زری باشد که به اشرفی اشتها دارد و به عربی طازجه خوانند». اطلاق نام درست صرفاً به مسکوک اشرفی صحیح به نظر نمی‌رسد و کلمة درست در مفهوم مسکوک قبل از اشرفی بوده و اگر هم به مسکوک درست اشرفی گفته‌اند باید در پی دلیل آن بود ضمناً در قرن هفتم هجری به گفتهٔ یاقوت اهالی خوارزم درهم را طازجه می‌نامیده‌اند و آن به وزن ۵ در ۶ دانگ بوده است. ۱۰. اشرفی دیگر است و طازجه دیگر، درهم معمولاً به مسکوک نقره گفته می‌شد.

ز - برخی از محققین و جهانگردان من جمله شاردن احتمال می‌دهد که اشرفی سکه‌هایی بوده که در روزهای مخصوص به رجال و اعیان و اشراف مملکت از طرف شخص پادشاه داده می‌شد و از این جهت اشرفی یا اشرفانی نام گرفته است.

ح - دکتر علی مظاهری می‌نویسد: «... در این دوره [قرن سیزدهم میلادی] سکهٔ طلای هند هم‌تراز دینار مصر بود، که در این هنگام «اشرفی» نامیده می‌شد و این نام مأخوذ از الاشرف (۱۲۹۰-۱۲۹۳) [میلادی مطابق ۶۸۹-۶۹۲ ه. ق] سلطان مملوک است که نه تنها بر فرانکها بلکه بر مغولها نیز فائق آمد. یک روی دینار او نوشته بود (محمد رسول‌الله) و روی دیگر (ضرب بالاسکندریه فی‌الدولة الاشرفیه) وزن اشرفی یک مثقال بود و در ایران آن را (درست‌زر) می‌گفتند. ۱۱.

توضیح: سلاطین ممالیک بحری مصر از ۶۴۸ تا ۷۹۲ ه. ق در مصر پادشاهی کردند، نهمین آنها صلاح‌الدین خلیل‌بن قلاوون ملقب به ملک اشرف در تاریخ ۶۸۹ به سلطنت رسید، قشون منظمی تشکیل داد و بر مسیحیان هجوم آورد و مرکز ایشان عکا را فتح و تخریب کرد و صیدا، صور، حیفأ و دیگر سواحل شام را از چنگک فرنگان بدرآورد و در عرض حکومت سه‌سالهٔ خویش به کارهای نمایانی دست یازید و در سال

۶۹۲ در مصر در اثنای شکار به دست امرایش مقتول شد. ۱۲.

ممکن است این سؤال پیش آید که چگونه این مسکوک از مصر به ایران آمده و اینهمه نفوذ و اعتبار و اشتها یافته، در پاسخ این سؤال مقدر به خلاصه‌ای از نوشته دکتر علی مظاهری اکتفا می‌کنیم:

در زمان قدیم در هر شهر بزرگ بازاری به نام بازار صرافها یا سوق الصیراف وجود داشت که بعضی از آنها در شهرهای مختلف شعبه داشتند و هر صرافخانه در شعبه‌ای از امور اقتصادی تخصص داشت، یکی در تجارت شام، مصر و یکی در تجارت هند، یکی در تجارت ماوراءالنهر و چین و ... در سال ۱۰۵۲ [میلادی مطابق ۴۴۴ ه. ق] بازار اصفهان دارای دویست صرافخانه معتبر بود ولی بزرگترین مراکز بانکی امپراطوری جلفا، بصره بود، بهترین و مهمترین بانکهای این دوره، بانکهای سیراف و عدن بود که می‌توان آنها را با بانکهای آمریکا و سوئیس مقایسه کرد، بانکداران ایران نه تنها در طرابلس، صور و صیدا فعالیت می‌کردند بلکه دامنه فعالیت آنها به اندلس و مراکش نیز کشیده شده بود. بانکهای فسطاط یا قاهره قدیم نیز فراوان و متعدد بود. در این بانکها عدول یا سوگندخورده‌ها اختلافات بازرگانی را حل و فصل می‌کردند. پس از تصرف استعماری قاره هندوستان در قرن یازدهم میلادی، سرمایه‌داران مسلمان به آنجا روی آوردند. در قرن سیزدهم جمع کثیری از مهاجرین شرق میانه منجمله اسماعیلیان که از حمله مغولها فرار کرده بودند به شهر دهلی روی آوردند. به این ترتیب نه تنها عده‌ای از مردم بلکه سرمایه‌های آنها نیز در این خطه متمرکز گردید. علاوه بر این چون مردم دیگر ممالک اسلامی راجع به ارزش طلای مصر و هندوستان غلو می‌کردند، آخرین تخصص‌های بازرگانی و صنعتی و کلا ثروت ملی که در اثر حمله مغول دچار بی‌اعتباری کامل شده بود، به سوی دهلی و قاهره روان گردید. ۱۳.

با توجه به توضیحات فوق به نظر ما منشأ اشرفی همانست که دکتر علی مظاهری نوشته و تصور مؤلف دایرةالمعارف اسلامی که اشرفی را مسکوک رائج در هندوستان دانسته بر همین پایه استوار است که به نظر ما اشتباه است. ضمناً در مورد قسمت اخیر نوشته آقای دکتر مظاهری مبنی بر اینکه اشرفی را در ایران «درست‌زر» می‌گفتند مورد تأیید ما نیست زیرا همچنانکه قبلاً مذکور شد درست‌زر قبل از تاریخ پیدایش اشرفی کلمه‌ای معمول و شناخته شده بود.

علاوه می‌شود که این تعبیر که اشرفی مسکوکی بوده از زر که در ایام مخصوص یا به عنوان معین از طرف پادشاه وقت به حکام و فرمانروایان و درباریان داده می‌شد و همچنین اطلاق سکه‌های خالص با عیار مطلوب به اشرفی تنافری با نظر مذکور ندارد و ناپ بودن مسکوک ممکن است سبب شده که شاهان دیگر مانند ناصرالدین‌شاه و نادرشاه نام اشرفی را در مسکوکات خود حفظ کرده و به اضافه کردن نام خود بر آن اکتفا نموده‌اند.

حال که نظر خود را درباره منشأ و پیدایش مسکوک اشرافی ذکر کردیم لازم می‌دانیم اضافه کنیم که نظر عده‌ای نیز مبنی بر اینکه سکه طلا را کلا اشرافی می‌نامیدند چندان بی‌مأخذ و بی‌پایه نبوده است. جهانگیر میرزا صاحب کتاب «تاریخ نو» که آنرا در سال ۱۲۶۷ ه. ق. به رشته تحریر درآورده، ضمن ذکر حرکت موکب پادشاهی (محمد شاه) به ولایت گرگان چنین می‌نویسد: «چون عید سعید سلطانی در دارالخلافه طهران بعیش و شادمانی گذشت و بهریک از چاکران و خدمتگزاران خلعت درخور خدمت مرحمت شد محض عنایت و ترحم برای این دعاگویان و امیرزادگان و والده و همشیره نیز خلعت مستمری و «شاهی اشرافی» عیدی با دستخط مبارک بافتخار هر یک جداگانه از مصدر عز و جاه صادر و مرحمت فرموده سر افتخار این دعاگویان را باوچ سموات رسانیدند.» ۱۴ و یا در جای دیگر آورده: «اما مجملی از احوالات شاهزادگان آنکه پس از اعلام بامپراطور روس بهر یک یکمزار «اشرافی باجقلو» مواجب مرحمت فرموده در قراباغ نشیمن برای ایشان مقرر داشت...» ۱۵

از پادشاهانی که به نام اشرافی سکه زده نادرشاه و ناصرالدینشاه است که مسکوک اولی به «اشرافی نادری» و دومی «اشرافی ناصری» موسوم شد. در روز تاجگذاری مظفرالدین‌شاه نیز که سکه‌های طلا و نقره ضرب گردید و اشرافی طلا بین حاضران تقسیم شد.

درباره سیر مسکوک اشرافی در دوره قاجار شرح زیر که خلاصه‌ای از نوشته آقای عبدالوهاب قائم‌مقامی و سایر منابع است خالی از فایده نخواهد بود.

وزن اشرافی نادری قریب دو مثقال و وزن اشرافی ناصری هجده نخود (یک مثقال شرعی) و ارزش آن یک تومان بوده و سه نوع اشرافی مستعمل و معمول بود:

- ۱- اشرافی یکتومانی به وزن هجده نخود (یک مثقال)
- ۲- اشرافی نیم‌تومانی یا پنجهزاری (نیم‌اشرافی) به وزن نیم مثقال
- ۳- اشرافی دو هزاری (ربع اشرافی) به وزن ربع مثقال

در سال ۱۲۹۴ پشان Pechan اتریشی نوعی اشرافی به سکه رسانید که تقریباً هفده نخود وزن و ۹۰٫۵۵ درصد طلا داشت و قیمت آنها درست ده فرانک فرانسه بود، در همین تاریخ مقداری هم پنجهزاری طلا (نیم‌اشرافی) به سکه رسانید که این اشرافی‌ها نیز به اشرافی ناصری معروف شد.

ارزش اشرافی در دوره مظفرالدین‌شاه تا حدی پائین آمد، ملک‌المورخین (سپهر) در قانون مظفری که در تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق. تحریر یافته می‌نویسد: «اصلاح مالیه بدون اصلاح عمل پول، معقول نیست، در زمان خاقان مغفور اشرافی هجده نخودی یک تومان بود و رعیت همان را می‌داد و حال بواسطه بار مسکوکات و تنزل نقره، اشرافی هجده نخودی را رعیت به جای دو تومان بلکه بیشتر می‌دهد.»

عبدالغفار نجم‌الدوله از رجال و تحصیل‌کرده‌های دوره قاجار، منجم و ریاضی‌دان و معلم ریاضیات دارالفنون که از سال ۱۲۹۰ ه. ق. سمت منجم‌باشی‌گری و لقب نجم‌الملکی داشت در تألیف خود که آنرا در سال ۱۳۱۸ قمری به رشته تحریر درآورده ضمن اینکه از واحد پول رایج و دایر «صاحبقران» که در محاوره و اصطلاح معمول

قران می‌گفتند نام می‌برد اضافه می‌کند که «پول طلا در اوائل دولت اشرفی بود بحسب وزن هجده نخود و به حسب قیمت ده صاحبقران. و چون نسبت قیمتش با ده صاحبقران صحیح نبود یعنی بیش از ده صاحبقران می‌ارزید مثلاً دوازده و چهارده صاحبقران قیمت داشت تجار خارجه مشتری شدند و جمع کردند و بردند تا خیلی نایاب شد آنوقت سکه جدید دایر شد و اشرفی را پانزده نخود نمودند به قیمت ده صاحبقران، چون نقره در خارج خیلی تنزل نموده بود و ما بیخبر بودیم باز صرف داشت تجار بردند و متدرجاً ترقی نمود تاکنون که رسیده است به بیست صاحبقران و خیلی کمیاب است.»^{۱۶}

حواشی

- ۱- مجله ارمغان، دوره سی‌ام شماره ۹ صفحه ۴۲۹.
- ۲- سیاحتنامه شاردن، جلد ۴ صفحه ۳۸۳.
- ۳- بدایع الوقایع ج ۱ ص ۳۶۷.
- ۴- بدایع الوقایع ج ۱ ص ۳۶۸. *شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- ۵- تاریخ عالم آرای عباسی ص ۱۱۶.
- ۶- تاریخ عالم آرای عباسی ص ۳۴۸. *دبیرخانه جامع علوم انسانی*
- ۷- تاریخ اجتماعی و سیاسی در دوره معاصر ج ۲ ص ۲۲۱.
- ۸- از روضه الصفا ج ۵ ص ۵۶۴. و حبیب‌السیر ج ۳ ص ۲۵۹ و ۲۶۰.
- ۹ و هو یوافق الدینار الموجود فی هذه الاعصار الذی یسمى فی بلاد المعجم و ماجاورها (بالاشرفی) کما عن بعض العلماء المعاصرين ولم نتحققه. الاوزان والمقادیر ص ۵۳.
- ۱۰- معجم البلدان ج ۲ ص ۳۹۷ ستون ۲ (ذیل کلمه خوارزم).
- ۱۱- زندگی مسلمانان در قرون وسطا ص ۴۲۶.
- ۱۲- ملخص از لغت‌نامه و تاریخ عرب جلد ۲ ص ۸۵۸ - برای اطلاع بیشتر در مورد ملك اشرف به جلد سوم حبیب‌السیر صفحات ۲۵۸ - ۲۵۹ مراجعه شود.
- ۱۴- تاریخ نو ص ۲۵۲.
- ۱۵- تاریخ نو ص ۲۵۹. (در هر دو مثال مذکور کلمه «اشرفی» در مفهوم مسكوك طلا آمده است)
- ۱۶- وسیط الحساب ص ۲۵۶.